

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جهاد تبیین

نصرت حضرت ولی عصر علیه السلام

به اهتمام: حجت الاسلام مهدی صرامی

طراح جلد: حسین احرامیان

صفحه آرا: حسن ناصری

شمارگان: ۳۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۴۰۱

انتشارات: هیأت امروز

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۴۹۸۸-۰-۴

تلفکس: ۰۲۵-۳۸۷۵۱۴۱۱

پیامک: ۳۰۰۰ ۱۵۴۲

وبگاه: www.1542.org

رایانامه: info@1542.org



سوره نصر

نصرت حضرت ولی عصر

عزراة
دولتی

فهرست

بخش اول: مقدمه | ۷

- ۱-۱. بزرگ‌ترین مجاهد عرصه‌ی تبیین وجود مقدس
امیرالمؤمنین (علیه السلام) است. ۱۰
- ۲-۱. جنگ شناختی، از انکار تا پذیرش ۱۱
- ۳-۱. جانمایی در جبهه و جنگ شناختی ۱۲
- ۴-۱. بیان یک موضع منفعل در جنگ شناختی ۱۳
- ۵-۱. مسیر ما در جبهه و جنگ شناختی ۱۵
- ۶-۱. برنامه داشتن امام زمان برای پیشبرد اهداف ۱۷
- ۷-۱. دانش‌ها و مهارت‌های مورد نیاز ما ۱۸
- ۸-۱. نحوه آموزش این دانش‌ها و مهارت‌ها ۲۰

بخش دوم: کلیات جهاد تبیین | ۲۳

- ۱-۲. منظور از جهاد ۲۵
- ۱-۱-۲. مقدمه ۲۵
- ۲-۱-۲. در جهاد حضور و رویارویی با دشمن مفروض
است ۲۷
- ۲-۱-۲. در جهاد حرکت طبق اولویت انجام می‌شود
(هم عرض بودن موضوعی با ولایت ممنوع است) ۲۸

- ۳-۱-۲. جهاد با توجه به تکلیف متعیّن صورت می‌گیرد. ۳۸
- ۴-۱-۲. جهاد با توجه به کشف تکلیف صورت می‌گیرد نه گزینش آن. ۳۹
- ۵-۱-۲. جهاد مبتنی بر روش و برنامه است. ۳۹
- ۲-۲. منظور از تبیین ۴۰
- ۱-۲-۲. خاستگاه و منشأ تبیین ۴۰
- ۳-۲. موضوع و متعلق جهاد تبیین ۴۰
- ۱-۳-۲. آموزش و تبیین باورهای بنیادین ۴۰
- ۲-۳-۲. نصرت امام: مهم‌ترین عرصه جهاد تبیین ۴۲

بخش سوم: نصرت تشکیلاتی و اصول حاکم بر آن | ۸۵

- ۱-۳. اصل اول: اولویت با حرکت جمعی و تشکیلاتی است ۸۷
- ۲-۳. اصل دوم: تصدّی‌گری در جریان نصرت حرام است. ۸۸
- ۳-۳. اصل سوم: تعاون و تسهیل‌گری ۹۰
- ۴-۳. اصل چهارم: رعایت الگوی نهضتی نه سازمانی ۹۱
- ۵-۳. اصل پنجم: اصل برنامه و جانمایی صحیح و حرکت طبق آن ۹۴
- ۶-۳. اصل ششم: فعلیت تکالیف: مبنای تنظیم برنامه‌ها و اولویت‌ها ۹۸

بخش چهارم: نکاتی ویژه جمع رسالات | ۱۰۳

بخش اول:

مقدمه

همه می‌دانند که کاری باید انجام شود. سوال در مورد این است که چه کاری باید انجام داد؟ آن کاری که اولین و آخرین کار است و تمام کارها باید ذیل آن تعریف شود. چیست؟ یک بار برای همیشه باید در مورد آن گفتگو شود. ذهن‌ها را منظم کنیم و بر اساس آن نظم و انتظام، خودمان را جانمایی کنیم. واقعاً یک سوال همیشه هست که آیا اولویت‌ها نسبی است؟ آیا کاری هست که اگر به آن ملتزم بشویم تمام چیزهایی که برای ما مطلوب است محقق شود؟ تکلیف به نحو اتم امتثال شده باشد و ما دیگر دغدغه کم و کیف و مصداق آن را نداشته باشیم؟ یعنی آیا ما شاه کلید در فضای عمل به تکلیف داریم؟ تکلیفی که اگر امتثالش کردیم تمام چیزهایی که مطلوب ماست محقق شده باشد و اگر ترکش کردیم هرکار دیگری نیز انجام داده باشیم هدر رفته است و به هدفمان نرسیده‌ایم؟ برای اینکه این قضیه روشن شود باید ابتدا به مبانی خودمان برگردیم.

۱-۱. بزرگ‌ترین مجاهد عرصه‌ی تبیین وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام است.

وقتی که حضرت ابراهیم دعا کرد «**وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ**» (و برای من در میان امت‌های آینده، زبان صدق و ذکر خیری قرار ده). (شعراء/۸۴) خداوند استجابتش را در امیرالمؤمنین برایش قرار داد و در آیه‌ی پنجاه سوره‌ی مریم خداوند فرمایش کرد «**وَ وَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَ جَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا**» (و از رحمت خود به آنان عطا کردیم؛ و برای آنها نام نیک و مقام برجسته‌ای در میان همه امت‌ها قرار دادیم). بعد که سؤال پرسیدند از حضرات معصومین، فرمودند بله این علی همان امیرالمؤمنین است، اسم آمده در قرآن، حدیث از وجود نازنین امام رضا و سایر حضرات معصومین منقول است که لسان صدق انبیاء و مبین حرکت انبیاء مخصوصاً وجود مقدس نبی اکرم، امیرالمؤمنین است. آن جایی که خداوند در آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی زمر می‌فرماید: «**وَ الَّذِي جَاءَ بِالصَّدْقِ وَ صَدَّقَ بِهِ**» (اما کسی که سخن راست بیاورد و کسی که آن را تصدیق کند، آنان پرهیزگاراند!) حضرات معصومین تبیین فرمودند؛ «جاء بالصدق» (کسی که سخن راست بیاورد) وجود نازنین نبی مکرم اسلام است «**وَ صَدَّقَ بِهِ**» (و کسی که آن را تصدیق کند) امیرالمؤمنین است و ما بهره‌ای از قرآن نبردیم اگر سراغ روایات نرویم و همین‌طور در آیه‌ی ۴۳ سوره‌ی رعد که «**وَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا**» (آنها که کافر شدند می‌گویند: «تو پیامبر نیستی!») وقتی که نبی مکرم اسلام خواست بزرگ‌ترین پیام خداوند و رسالت خودش را به دیگران اثبات کند، خداوند را شاهد می‌گیرد «**قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ**» (بگو: کافی است که خداوند میان من

و شما گواه باشند) و امیرالمؤمنین را شاهد می‌گیرد «و مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» (و کسی که علم کتاب و آگاهی بر قرآن نزد اوست). وقتی امیرالمؤمنین شاهد رسالت نبی‌ای می‌شود که خودش وصی اوست، این پیچیدگی تاریخ است و عظمت امیرالمؤمنین را نشان می‌دهد و جز از کسی که همه‌ی علوم در او جمع است توقع این موضوع نمی‌رود. پیامبر اکرم در خطبه‌ی شریف غدیر امام مبین را امیرالمؤمنین معرفی کردند که «و كَلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ» (و همه چیز را در کتاب آشکار کننده‌ای برشمرده‌ایم!) (یس/۱۲). در خطبه‌ی غدیر فرمایش کرد «مَعَاشِرَ النَّاسِ، عَلِيٌّ (فَضْلُهُ). مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ وَ كَلَّ عِلْمٍ عَلِمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامٍ الْمُتَّقِينَ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا عَلَّمْتُهُ عَلِيًّا وَ هُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ. الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي سُورَةِ يَس: وَ كَلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ» (هان مردمان! او را برتر بدانید. چرا که هیچ دانشی نیست مگر اینکه خداوند آن را در جان من نبشته و من نیز آن را در جان پیشوای پرهیزکاران، علی، ضبط کرده‌ام. او (علی) پیشوای روشن‌تر است که خداوند او را در سوری یاسین یاد کرده که: «و دانش هر چیز را در امام روشن‌تر برشمرده‌ایم...» بزرگ‌ترین مجاهد عرصه‌ی تبیین امیرالمؤمنین است که ایشان بزرگ‌ترین مقوله‌ی تبیین یعنی رسالت نبی اسلام را تبیین می‌کنند و مبین‌الی‌الابد این حقیقت هستند.

۱-۲. جنگ شناختی، از انکار تا پذیرش

بحث جنگ شناختی و تقابل و صف‌بندی دو جبهه چیز مغفولی نیست، چیزی نیست که امروز کسی در عرصه‌ی منبر و خطابه از عنوان و حداقل کلیات آن غفلت داشته باشد.

برخی معتقدند جنگ شناختی و هیبریدی^۱ نداریم. برخی این طوری بنیادین انکار این داستان می کنند که صف بندی نداریم، چون حق و باطل این نیست که شماها می فهمید، چون دنیا را خط کشی کردن، خارج از اعتدال و عقلانیت است، چون باید با دنیا تعامل و تفاهم کرد. آنها دستگاه شان، دستگاه دیگری است و این قول مصرح یا مطوی در ذهن خیلی از آقایانی است که رفتارشان مؤید قول شان نیست.

برخی هم به این صورت بنیادین انکار نمی کنند و دعوای صغروی دارند. پیش فرض اگر این باشد که جنگ شناختی و جنگ هیبریدی نداریم لازمه‌ی آن می شود که همه‌ی برنامه ریزی های فرهنگی و اجتماعی فقط ناظر به ایده آل ها باشد یعنی ببینید چی خوب است؟ و چه ایده آل هایی در جامعه باید پدیدار بشود؟ اخلاق مردم چگونه بشود؟ فکرشان چگونه بشود؟ نقص هایی که مردم در مسیر تعالی شان دارند را برطرف کنید و تمام.

۱-۳. جانمایی در جبهه و جنگ شناختی

ولی اگر شما این را نپذیرفتید و گفتید ما جنگ شناختی و هیبریدی داریم اول مطلب این است که خب مختصات ما در این جنگ کجاست؟ ما کجای این جبهه و جنگ هستیم؟ فرمایش حضرت آقا در همین ایام با دانشجویان و دیگران مبنی بر اینکه خودتان را در جبهه جانمایی کنید یعنی کجای جبهه هستید؟^۲ خیلی مهم است. نه این که کلاً

۱. ابهام، پیچیدگی و چند بعدی بودن؛ این ها مهم ترین ویژگی های مدرن ترین شیوه جنگی است. جنگی که در دنیا به آن Hybrid War و در ایران به آن جنگ ترکیبی می گویند.

۲. دانشجویان عزیز. رویدادهای سیاسی و نظامی در این روزها، تشکیل دهنده‌ی بخشی از همان پیچ تاریخی جهان است که گمان آن رفته بود. نخبگان و زبدگان ملت بزرگ ما در این مرحله، حامل مسئولیت های ویژه اند. شناخت جبهه بندی ها و

در جبهه هستیم، این که نشد جانمایی، بلکه کجای جبهه ایستادی؟ مهم است. اگر کسی پذیرفت و اصل جنگ را انکار نکرد و اراده‌ی جهاد پیدا کرد باید جبهه را بفهمد.

۱-۴. بیان یک موضع منفعل در جنگ شناختی

خب می‌توان جنگ را پذیرفت و اراده‌ی جهاد نداشت، خواجه ربیع مگر این‌طور نبود؟ جنگ را فهمید طرفین را تشخیص نداد، آمد نزد امیر المومنین گفت آقا ما را بفرست سرحدا و سر مرز. آن‌جا برویم نماز روزه مردم را درست کنیم، به مردم قرآن یاد بدهیم.^۱ کم نیستند بزرگوارانی که الان این‌طور هستند، یا منکر جنگ هستند یا ولایت طرفین را نمی‌پذیرند. می‌گویند: امیرالمؤمنین ولایت واجب‌الاطاعه ندارد یا طاغوت صاحب ولایت نیست. یکی دوتا هم نیستند. در قم درس خارج دارند. می‌گویند: جنگ نداریم چون ولایت این نیست که شما می‌گویید.

بگذارید یک چیزی را من از رو بخوانم، این مصاحبه‌ی یکی از آقایان است که الان در قم درس خارج دارد. آقای

صف‌آرائی‌ها و انتخاب موضع درست، مسئولیت کوتاه‌مدت، و آمادگی برای نقش‌آفرینی در تحولات به سود جبهه‌ی حق، وظیفه‌ی میان‌مدت آنان است. شما جوانان عزیز می‌توانید در هر دو بخش بدرخشید و امید به انجمن‌هائی را که مزین به نام مبارک اسلام است، بارور نمایید. پیام رهبر انقلاب به پنجاه و ششمین نشست اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا، ۱۴۰۰/۱۲/۲۱

۱. ربیع ابن خثیم، مشهور به خواجه ربیع، از طایفه بنی‌اسد و ساکن کوفه، از زمره‌ی زهاد هشتگانه‌ی صدر اسلام و تابعین (کسانی که صحابه‌ی پیامبر اسلام را درک کرده‌اند) و همچنین از یاران و سرداران علی بن ابیطالب بوده‌است. وی ضمن ارادت به وی ظاهراً از خویشان معاویه پسر ابی‌سفیان هم بوده‌است، بنابراین در سال‌های پایانی خلافت علی و بروز اختلاف میان ایشان و معاویه، به قصد انزوا و دوری از نزاع، عراق را به قصد ایران و خراسان ترک کرده‌است. او در سال‌های پایانی عمر ساکن شهر نوغان (مرکز ولایت توس در آن زمان) شده و سرانجام در سال ۶۳ ه.ق یا به روایتی دیگر در سال ۶۱ درگذشته و در یک فرسنگی شمال نوغان دفن گردیده‌است.

شفیعی مصاحبه‌کننده است. وقتی ایشان می‌گویند ما مشکلی با پوزیتیویسم نداریم. دین عقلانی است و... همین مصاحبه‌کننده می‌پرسد: پیامد این فرمایش شما این است که فرض کنیم خداوند امیرالمؤمنین علی علیه السلام را به امارت مسلمین نصب کرده است منتهی عرف متشرعه نپذیرفته است، پس چنین امارتی نیست چون دو رکن در تحقق عرف مسلمین از نظر شما وجود دارد که یکی از آنها باور مسلمانان و متشرعه به چیزی است که پیامبر فرموده است. (این را در صفحات قبل صراحتاً می‌گویند که اگر پیغمبر یک حرفی را بزند ولی مردم نپذیرند برای‌شان واجب اطاعه نیست ببینید این مبنای استاد درس خارج در قم است) جواب می‌دهد:

بله فرض کنید خداوند فرمود که امیرالمؤمنین خلیفه‌ی رسول الله است و مردم ایشان را به خلافت قبول نکردند، وقتی خداوند می‌فرماید دستور خلیفه واجب است شامل ایشان نمی‌شود، چرا؟ چون نصب ایشان مورد قبول واقع نشده.

حالا بعد یک چهارتا فحش هم ضمیمه می‌کند که خیلی ضایع نشود. مثلاً روی نفهمی، بی‌شعوری یا عصیان یا هر جهتی مردم نفهمیدند. این مبنا در حوزه کم طرفدار ندارد البته همه این قدر شجاع نیستند این را بگویند، ایشان در درس‌شان هم می‌گویند یا این طوری صاف و روشن می‌گویند یا لوازمش را به شکل‌های دیگر می‌گویند. خب این آقا صف‌بندی نمی‌فهمد که دو دستگاه ولایت در تقابل است.

از نظر ایشان یک دستگاه در عالم حاکم است آن هم عقلاء، عقلاء هر جا بودند هر چه به توافق رسیدند همان را باید گرفت و جلورفت. سائل زرنگ است بعداً سر توافقات دیگر هم می‌پرسد. مثلاً می‌گوید اگر سر همجنس بازی توافق کنند تکلیف چیست؟ و ایشان جوابی برای گفتن ندارد ته داستان این است.

خب اگر یک عده این طوری آمدند وسط گفتند که:

* جنگ نداریم جنگی به اسم نرم، سخت، فرهنگی و... همه تعارض منافع است، باید مدیریت تعارض منافع بلد باشید.

* مدیریت تعارض منافع با کسانی است که زبان دنیا را بلد هستند و تنش‌زدایی می‌کنند، ببینید چگونه چین و روسیه، روسیه و آمریکا، زبان همدیگر را می‌فهمند؟ حالا یک جاهایی هم زور شد و جنگ شد در همان پارادایم هستیم.

* حق و باطل نکنید، شما تافته‌ی جدابافته شدید. خودتان را نگذارید محور عالم بقیه را با خودتان متر کنید. به تعبیر دانشگاهی‌ها دُگم نباشید. تو راست می‌گویی او هم راست می‌گوید، هرمنوتیک فلسفی همین را می‌گوید؛ هر چیزی ممکن است درست باشد.

الان فضای حاکم قطعی برای دانشگاه، مدارس و رسانه‌ها همین است. همه چیز می‌تواند درست باشد. خب این همه چیز می‌تواند درست باشد دیگر نقطه‌ی حق و باطل را پاک می‌کند. غصب ولایت را حذف می‌کند، آنها می‌گویند امیرالمؤمنین حقی نداشت. حق مال مردم بود که به او ندادند. غصبی صورت نگرفته، ببین کار به کجا می‌کشد.

۱-۵. مسیر ما در جبهه و جنگ شناختی

ما آبشخور و مبنای مان از جای دیگری است، سلسله‌ی ولایت را از الله جل و تعالی تا اولیاء منصوب به نصب عام و خاص می‌فهمیم. همچنین می‌فهمیم کسانی با دستگاه الهی در همین ولایت تعارض دارند و طاغوت هستند. کسانی که ولایت را قبول دارند دو دسته هستند: یک عده می‌گویند قبول داریم برای طاقچه، یک عده هم می‌گویند برای زندگی قبول داریم.

در اثبات خدا و ولایت الله و ولایت پیامبر صلی الله علیه و آله و ولایت امام زمان علیه السلام هیچ بحثی لازم نداریم. یک سوال اینجا پیش می‌آید که آیا ولایت امام زمان حقیقی است یا تشریفاتی. امام زمان حاکم است یا نیست؟ **وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ** (النساء، ۶۴) یک حقیقت هست یا نیست؟

همین جا ما مسیرمان را با هر کس دیگری که با مبنای ما همراه نمی‌شود جدا می‌کنیم؛ امام زمان تشریفاتی است یا واقعاً قرار است اطاعت بشود. اگر گفتید امام زمان حقیقتاً اطاعت دارد امام زمان مانند مسیح نیست که فقط یک آرمان درونی باشد یک تشفی خاطر معنوی باشد؛ اطاعت و عصیان دارد؛ خوب این اطاعت کجای کار ماست؟ کدام کار ما الان عصیان از امام زمان است؟ کدام انقیاد است؟ بالاخره اطاعت دارد یا ندارد؟ به قول مرحوم حضرت آیت الله مصباح رحمت الله علیه یک دفعه در همین جلسات اخلاق چهارشنبه فرمودند که تعارف را بگذارید کنار. یک بار این قضیه را برای خودتان حل کنید و بگذارید کنار. تعارف با خودمان نکنیم یک عمر بدویم بالاخره سوال اینجاست که آیا امام زمان اطاعت دارد یا ندارد.

اگر گفتید امام زمان علیه السلام اطاعت دارد و امام زمان علیه السلام برنامه دارد - و زندگی و حیات من به برنامه امام زمان ارتباط دارد، به تحصیل من [ارتباط دارد]، این که برنامه امروز صبح تا شب من چگونه بگذرد به برنامه امام زمان ارتباط دارد، من مأمورم از برنامه امام زمان مطلع باشم و در مسیرش حرکت بکنم و تسهیلش بکنم - حال سوال دیگری پیش می‌آید که اطاعت امام زمان به چه چیزی است. برنامه امام زمان چیست؟ و توسط چه کسی اجرا می‌شود؟ [اکتفاء به] این تکالیف عام که آدم خوبی باش و برو صدقه بده و نمازت را بخوان و به کسی ظلم نکن و پرنده‌ها را اذیت نکن این اطاعت امام زمان هست؟ این با برنامه داشتن امام زمان جور در نمی‌آید. یعنی اتفاقات روز تاثیری در این دارد که به حیوانات ضرر بزنید یا نزنید و نمازتان را بخوانید؟ هزار سال پیش این [تکالیف] بوده است و الان نیز هست.

۱-۶. برنامه داشتن امام زمان برای پیشبرد اهداف

اگر امام زمان در روز برای پیشبرد اهداف عالم برنامه دارد و جریان ابلیس در مقابل برنامه امام زمان برنامه دارد و برنامه امام زمان با برنامه جریان طاغوت تنظیم می‌شود و دقیقاً مقابل آن است؛ خب این واقعیتها کجای کار من است؟ [التزام به آن] روی زمین کجاست؟ چرا حرفی می‌زنیم که پای آن نمی‌ایستیم؟

از اینجا به بعد مسیر ما با امثال انجمن حجتیه یا کسانی که ولایت امام زمان علیه السلام را قبول ندارند یا ایشان را واجب‌الاطاعه نمی‌دانند یا ایشان را دارای برنامه نمی‌دانند، جدا می‌شود. ما انجمن حجتیه‌ای نیستیم که قائل باشد ولایت و حکومت

امام زمان تعطیل شده است و همه چیز تا زمان ظهور
احاله‌ی به غیر امام زمان شده است.

خب جان کلام اینجاست که اگر ولایت را برای زندگی قبول
داریم باید پاسخ‌گو باشیم که کجای جبهه هستیم؟ کجای
جبهه ایستادیم؟ قبول داریم که یک ولایت حقه‌ای از
امیرالمؤمنین به امام زمان و امام زمان حی و حاضر است.
این ولایتش حاکم و ناظر بر عالم است و تعطیل نشده است.
خب ما کجا هستیم؟ در کدام دسته هستیم؟ این جا باید
صف‌بندی را مشخص کنیم.

برای این که جای دقیق خودمان را در جبهه بدانیم باید
مختصات عرصه‌ی تقابل، طرفین مؤثرین و متأثرین،
فنون رزم، استراتژی‌ها، تاکتیک‌ها، ادوات و ابزار تهاجم و
دفاع را بشناسیم.

۱-۷. دانش‌ها و مهارت‌های مورد نیاز ما

دانش فرماندهی و رزم در این جبهه، دانشی است از جنس و
بلکه بالاتر از دانش فرماندهی و رزم در جبهه‌ی نظامی است
چون جبهه نظامی یک صدم این جبهه‌ی عریض و طویل هم
نیست. آن جا وقتی افسران، پانزده سال تجربه پیدا کردند
تازه به آنها اجازه می‌دهند در دوره دافوس نظامی شرکت
کنند و دوره‌های فرماندهی و ستادی ببینند که بتوانند در
جبهه‌ی نظامی راهبری کنند.

ما هم دقیقاً راهبران جبهه‌ی تقابل ولایت‌ها را می‌خواهیم.
جبهه‌ای که درگیری‌اش بر سر ولایت است. کسانی که با
خدا اعلام جنگ کردند و خدا به آن‌ها اعلام جنگ کرده
است. کسانی که تشکیلات درست کردند و برای محاربه با
خدا، جبهه منسجم دارند. این طرف هم امام زمان جبهه و

تشکیلات و حزب دارد. خب سوال: راهبران جبهه‌ی تقابل این دو دستگاه ولایت چه کسانی هستند؟ دوره‌ای که باید ببینند کجاست؟ بعضی از فن‌رزم همین است که سروران (شرکت کنندگان در نشست رسالات) استادش هستند و باید دیگران را از تجاربشان بهره‌مند کنند. استاد فن‌رزم در عرصه‌ی تبیین شما هستید. این جبهه، جبهه‌ی عریض و طویلی است. عرصه کجاست؟ متأثرین چه کسانی هستند؟ مؤثرین چه کسانی هستند؟ ابزار و ادوات چیه؟ تاکتیک‌ها، استراتژی‌ها، تکنیک‌ها چیست؟ به بالاترین درجاتش باید این اتفاق بیفتد.

نگاه کنید دیروز اعلام کرد وزارت اطلاعات دوتا ارشد درجه‌دار سرویس‌های اطلاعاتی انگلیس و جاهای دیگر را گرفتند. کارشان چیست؟ این‌ها آموزش‌دیده‌ی عرصه‌ی تقابل مدیریت‌های اجتماعی هستند. بلد است برود یک‌جا چه جووری همبستگی ایجاد کند، چه جووری تفرق ایجاد کند، چگونه تحرک ایجاد کند، چگونه تحرک‌ها را کنترل کند. دوره دیده، تخصصاً در کشورهای مختلف دوره‌اش را عملیاتی کرده است. سؤال این است که نقطه‌ی مقابل این فرد چه کسی باید بایستد؟ از بعضی از این شبکه‌ها مستنداتی به‌دست ما رسیده، یکی از شبکه‌هایش که خیلی روی زمین دارد کار می‌کند هفت هزار صفحه دوره‌ی آموزشی دارد. برای باز کردن پیچ و برداشتن قاشق، پروتکل تعریف کرده و بر اساس این شبکه‌سازی می‌کند. برنامه دارد که چگونه مودت بین شبکه‌ی خودش درست کند، چگونه تفرقه بین شبکه‌ی شما درست کند، چگونه شبکه‌ی خودش را به تحرک وادارد، چگونه تحرک شما را کنترل بکند. از ابتدایی‌ترین نکات تا

دقیق‌ترین نکات در روابط بین‌اثینی و روابط اجتماعی. مثلاً چه جوری حرف بزنید از چه جمله‌ای استفاده کنید، از این‌ها گرفته تا اصول کلان مدیریت اجتماعی.

الگوی مهندسی جنگ در عرصه‌ی شناختی و فرهنگی لازم است، رهبر می‌خواهد، ژنرال می‌خواهد، آموزش می‌خواهد، ما می‌گوییم دافوس سنگین هم می‌خواهد. مخاطب را بشناس، تیپ‌ها را بشناس، چندصد تیپ فکری وجود دارد، نه این نگاه تیپ‌های استقرائی با نظرسنجی و این‌ها نه، بنیادین و مبنایی. تیپ فکری را بشناس، جای‌نمایی کنید، هر تیپ نقطه‌اش کجاست؟ کجا ایستاده؟ ارزشیابی بشود. بعد چکاری باید در مقیاس حرکت، موج و جریان انجام دهیم؟ می‌خواهیم حرکت کنترلی ایجاد کنیم، حرکت تغییری ایجاد کنیم، حرکت تبدیلی ایجاد کنیم تا جریان تغییری تبدیلی چکار باید بکنیم؟ الگوی مدیریت منازعات و اختلالات روابط در جبهه و تشکیلات براساس چه موضوعی باید شکل بگیرد؟ این‌ها همه مهارت‌ها و دانش‌هایی است که باید بحث بشود، چکش‌کاری بشود، سروران تجارب‌شان را بگویند اشکالاتش برطرف بشود.

۸-۱. نحوه آموزش این دانش‌ها و مهارت‌ها

این دوره‌ها را رهبران جبهه در دستگاه ولایت امام‌زمان، کجا باید ببینند؟ اگر می‌گوییم رجال‌الغیب هستند خب آن‌ها علم‌شان را از امام‌زمان می‌گیرند. اگر در این جبهه ما سهمی برای خودمان قائل هستیم خب ما این آموزش‌ها را از کجا بگیریم؟ این اطلاعات عرصه، اطلاعات فعالان جریان مقابل، این ماهواره‌های دیدبانی این‌ها کجاست؟ چرا به ما

اطلاعات نمی‌دهند؟ عرض ما این است، باید در این عرصه در اختیار ما تشکیلات و سازمان رزم، آرایش رزم، تاکتیک، تکنیک، داده، ابزار، فن رزم، اطلاعات عملیات و امثال این‌ها باشد.

سروران خودشان به قدر وسع‌شان اهل فحص هستند، جستجو می‌کنند، بالاخره یک باری هرکدام از ما برای خودمان جمع می‌کنیم ولی این جنگ نامتقارن است. در جریان مقابل این‌طور نیست. جریان مقابل ژنرال‌ها و رهبران‌ش را می‌شناسد، برای آن‌ها هزینه می‌کند. اگر مشکلی برایش پیش بیاید مثلاً حاضر می‌شود میلیاردها از دارایی ایران آزاد کند و در مقابل مهره و عنصر خود را بردارد و او را برگرداند ببرد، به بقیه این پیغام را بدهد که من برای شما بها قائل هستم. خب الگوی ما چیز دیگری است. ولی حداقل آن کجاست؟ این نشست رسالات یک نسیم و بارقه‌ای از همین حرکت است. اگر این توسعه پیدا کند نه در ایران، من توقع ام جهان اسلام است.

از کشورهای دیگر خیلی مراجعه داریم که می‌گویند ما را تجهیز کنید، ما ده‌تا طلبه هستیم از فلان کشور به جامعه‌المصطفی آمدیم. این‌ها حرکت فرهنگیشان به ما وابسته است، یک کشور؛ الان ببینید یک تعداد طلبه‌های جامعه‌المصطفی اردو زبان این فیلم زندگی پس از زندگی را دوبله کردند، ترجمه کردند، در قم یک استودیو دارند. ببینید نصف کره‌ی زمین به لحاظ جمعیتی با یک ترجمه تحت‌تأثیر یک برنامه قرار گرفتند. این اگر تجهیز بشود می‌تواند دنیا را متحول کند، مگر صدور انقلاب به چیست؟ صدور انقلاب به

۲۲ * جهاد تبیین؛ نصرت حضرت ولی عصر علیه السلام

اسلحه نیست، به فکر و تبحر و اراده‌ها و انگیزه‌ها است. این اتفاق باید بیفتد.